



## درس فارج فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۹ بهمن ۱۳۸۹  
مصادف با: ۴ ربیع الاول ۱۴۳۲  
جلسه: ۶۱

موضوع کلی: مسئله دوم  
موضوع جزئی: معنای تقلید

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

بحث در مسئله دوم بود که در ذیل این مسئله معنای لغوی تقلید را ذکر کردیم و در این جلسه معنای اصطلاحی تقلید را بررسی خواهیم کرد. در مورد معنای اصطلاحی تقلید تعابیر مختلفی ذکر شده که ما در این بخش سه بحث را باید متعرض بشویم:

**اولاً:** اقوال مختلفی که در مورد معنی و تعریف تقلید وارد شده را ذکر کنیم و آن را دسته بندی کنیم.

**ثانیاً:** ببینیم که آیا این اختلاف در تعاریف صرفاً یک اختلاف در لفظ و تعبیر است یا اختلاف معنوی و ماهوی می باشد.

**ثالثاً:** بررسی کنیم که حق در معنای اصطلاحی تقلید کدام است.

### بحث اول: اقوال مختلف در تعریف تقلید

در مورد معنای اصطلاحی تقلید و اقوال و آرائی که در این رابطه وجود دارد ما یک مرور مختصری بر آراء و انظار معاصرین و متقدمین خواهیم کرد و بعد مجموع این آراء را دسته بندی می کنیم تا ببینیم که کدامیک از این آراء اقرب به صواب است.

### آراء معاصرین:

(۱) همانطوری که بیان کردیم امام (ره) تقلید را اینطور بیان کرده اند: «هو العمل مستنداً الی فتوی المجتهد» عمل مستند به فتوای یک مجتهد را تقلید می نامند و بعد در حاشیه عروه ایشان می فرمایند «و لایکون مجرد الإلتزام و الأخذ للعمل محققاً له»<sup>۱</sup> مجرد التزام قلبی و اخذ فتوا برای عمل محقق عنوان تقلید نیست. طبق فرمایش امام (ره) تقلید عبارت است از نفس عمل مستند به فتوای یک مجتهد، التزام قلبی و اخذ به عمل و شروع در مقدمات عمل را امام به عنوان تقلید محسوب نمی کند.

(۲) مرحوم سید تقلید را اینگونه در مسئله هشتم عروه تعریف می کنند: «التقلید هو الإلتزام بالعمل بقول مجتهد معین و ان لم يعمل بعد» به نظر مرحوم سید تقلید عبارت است از التزام به عمل نه نفس عمل، التزام قلبی به عمل بر اساس قول یک مجتهد مشخص ولو اینکه بعد از این التزام قلبی حتی عمل هم نکند. و بالاتر را می فرماید «بل ولو لم یأخذ فتواه فإذا اخذ رسالته و إلتزم بما فیها کفی فی تحقیق التقلید» بلکه اگر اخذ به فتوا نکند و همین که کسی رساله یک

۱. حاشیه عروه، ج جامعه مدرسین، ج ۱، ص ۱۶.

مرجع و مجتهد را بگیرد برای عمل کردن به آن رساله و التزام به عمل کردن بر اساس رساله کفایت می‌کند «صدق أنه مقلد» ولو اینکه فتوای آن مقلد را نداند و عمل به فتوا هم نکرده باشد.

فرمایش مرحوم سید درست مقابل سخن امام است، امام(ره) می‌فرماید تقلید نفس عمل است و التزام قلبی و اخذ و شروع در مقدمات عمل تقلید حساب نمی‌شود، مرحوم سید می‌فرماید که خود التزام قلبی عبارت است از تقلید.

در اینجا اکثراً با فرمایش مرحوم سید مخالفت کرده‌اند و کسانی تعلیقه بر این مطلب زده‌اند البته بعضی‌ها هم فی الجمله با مرحوم سید موافقت دارند.

۳) از جمله کسانی که مخالفت کرده‌اند غیر از مرحوم امام(ره)، مرحوم محقق حائری یزدی است که ایشان می‌فرماید «فیه اشکال بل لایبعد کون التقلید عبارة عن متابعة المجتهد فی العمل» در کلام مرحوم سید اشکال است بعید نیست بگوییم که تقلید عبارت است از متابعت و پیروی مجتهد در مقام عمل «بأن یکون معتمداً علی رأیه فی العمل»<sup>۲</sup> منظور از متابعت و پیروی مجتهد در مقام عمل این است که اعتماد بر رأی مجتهد بکند وقتی می‌فرماید «معتمداً علی رأیه فی العمل» این یعنی در واقع در مقام عمل استناد به فتوای مجتهد داشته باشد. در اینجا درست است که سخن از متابعت عمل است اما فی الواقع هر دو یک حقیقت را بیان می‌کنند، متابعت و پیروی مجتهد در عمل با عمل مستند به فتوای مجتهد فرقی نمی‌کند و هر دو در این حقیقت مشترکند که تقلید از جنس عمل مستند به فتوای مجتهد است که این استناد جهتی دارد که بیان خواهیم کرد.

۴) مرحوم آقای بروجردی هم تقلید را اینطور معنی می‌کنند «بل هو نفس العمل و لا مدخلیة للإلتزام فی شیء من الأحکام»<sup>۳</sup> بلکه تقلید خود عمل است و التزام در چیزی از این احکام مدخلیت ندارد.

۵) مرحوم آقای حکیم هم با سید مخالفت کرده‌اند و فرموده‌اند «بل هو العمل اعتماداً الی فتوی المجتهد».<sup>۴</sup>

۶) مرحوم آقای نائینی هم تقریباً همین مطلب را گفته‌اند «لا اشکال بتحقیقه بالعمل بفتوی و فی تحقیقه بتعلم الفتوی للعمل بها اشکال» ایشان فقط یک اضافه‌ای دارد. تا اینجا دو مطلب مطرح شد عده‌ای قائلند که تقلید عبارت است از نفس عمل و عده‌ای قائلند به اینکه تقلید عبارت است از التزام، ایشان معتقد است که تقلید همان عمل به فتوای مجتهد است، در ضمن اینکه می‌فرماید تقلید عبارت از التزام نیست دو مطلب دیگر را اشاره می‌کند که اینها تقلید نیست یکی تعلم فتوا یعنی می‌گوید تقلید این نیست که کسی فتوا را یاد بگیرد و صرف تعلم فتوا تقلید حساب نمی‌شود و نیز اخذ رساله تقلید به حساب نمی‌آید. اقوی به نظر مرحوم نائینی این است «فالأقوی عدم تحقیقه بشیء من ذلک» در مورد تعلم فتوا فرمود «و فی تحقیقه بتعلم الفتوی للعمل بها اشکال» اشکال است «اما الإلتزام و عقد القلب و أخذ

۲. همان، ج ۱، ص ۱۶.

۳. همان، ج ۱، ص ۱۶.

۴. همان، ج ۱، ص ۱۶.

الرساله و نحو ذلك فالأقوى عدم تحققه بشئ من ذلك» اقوی این است که به هیچ یک از اینها تقلید محقق نمی- شود.<sup>۵</sup>

نظر مرحوم آقای خوئی هم همین است «بل هو الإستناد الی فتوی الغیر فی العمل» ایشان تعبیر به استناد می‌کند که با بقیه تعابیر تفاوت می‌کند، یعنی استناد به فتوای غیر در عمل البته یک فرقی ایشان بین مسئله تقلید ابتدائی و غیر ابتدائی گذاشته که در مورد بقای بر تقلید معتقدند که تعلم فتوا برای عمل کافی می‌باشد یعنی همین مقدار که کسی فتوای یک مرجعی را دانسته در زمان حیات مرجع و حالا که آن مرجع از دنیا رفته اگر بخواهد باقی باشد، می‌تواند باقی بماند. در مسئله جواز بقاء یا وجوب بقاء بر تقلید صرف تعلم فتوا کافی می‌باشد و لازم نیست عمل کرده باشد که این بحثی است که بعداً بررسی خواهیم کرد.

اینها مجموعاً کسانی بودند که با مرحوم سید مخالفت کرده‌اند.

اما بعضی‌ها با مرحوم سید فی الجمله موافقت کرده‌اند یعنی همان طوری که مرحوم سید تقلید را عبارت از التزام قلبی می‌داند اینها هم فی الجمله به این مسئله معتقدند از جمله:

۷) مرحوم آقای گلپایگانی که ایشان می‌فرماید تقلید عبارت است از التزام به عمل است ولی اینکه بگوییم «ولو لم يأخذ الفتوی» همان طوری که سید فرموده بودند باز هم تقلید تحقق پیدا می‌کند این را قبول ندارند چون مرحوم سید فرمودند «بل ولو لم يأخذ الفتوی فإذا أخذ رسالته و التزم بالعمل بما فیها کفی فی تحقق التقلید» همین مقدار که رساله را گرفت که عمل بکند ولو فتوا را هم نداند، کافی می‌باشد و صدق تقلید می‌کند. اما مرحوم گلپایگانی می‌فرماید که نه اگر فتوا را اخذ نکرده باشد صدق تقلید نمی‌کند اما فی الجمله با اغماض از این اشکالی که به مرحوم سید دارند در اصل اینکه تقلید عبارت است از التزام قلبی با ایشان موافقتند.<sup>۶</sup>

تا اینجا دو موضع در مورد کلام مرحوم سید در عروه مشخص شد، عده‌ای که غالباً و اکثراً این نظر را دارند با سید مخالفت کردند و تقلید را عبارت از عمل می‌دانند و عده‌ای که کمتر هستند با نظر مرحوم سید موافقت کردند.

۸) مرحوم آقای سید احمد خوانساری تقلید را عبارت از التزام مع العمل دانسته، یعنی می‌فرماید این دو با هم تقلید می‌باشد یعنی هم التزام قلبی لازم است و هم عمل لازم است «الأقوی عدم تحقق التقلید الا بالالتزام مع العمل».<sup>۷</sup>

۹) مرحوم فیروزآبادی هم گفته‌اند که تقلید «هو الإلتزام حین العمل» که با قول به مجرد التزام فرق می‌کند، یعنی التزام حین العمل. خود این دو تعبیر نیز با هم متفاوت است که التزام حین العمل یعنی هر دو موضوعیت دارند و با هم محقق عنوان تقلید هستند و تقلید از جنس التزام است ولی این التزام باید در موقع عمل باشد. این مجموعه‌ای از آراء و اقوال معاصرین بود که اشاره کردیم.

۵. همان، ج ۱، ص ۱۷.

۶. همان، ج ۱، ص ۱۷.

۷. همان، ج ۱، ص ۱۷.

## آراء متقدمین:

مرحوم فخر المحققین تقلید را اینطور معنی کرده «قبول قول الغیر فی الأحکام شرعیة من غیر دلیل علی خصوصية ذلك الحكم» مرحوم علامه در نهایت در مورد تقلید فرموده «العمل بقول الغیر من غیر حجة معلومة» که این را مرحوم صاحب فصول از علامه حکایت کرده است.<sup>۸</sup>

عضدی درباره تقلید این چنین فرموده است «الأخذ بقول الغیر من غیر حجة» که ایشان تعبیر اخذ بکار برده است.<sup>۹</sup> مرحوم صاحب فصول هم تقلید را اینچنین معنی کرده «الأخذ بفتوی الغیر» تقلید عبارت است از اخذ به فتوای غیر.<sup>۱۰</sup> مرحوم شیخ انصاری تقلید را به اخذ فتوای غیر معنی کرده و مرحوم آخوند خراسانی شاگرد ایشان همین تعریف را اختیار کرده و فرموده «أخذ قول الغیر و رأیه للعمل به فی الفرعیات أو للإلتزام به فی الإعتقادات تعبداً بلامطالبة دلیل علی رأیه» اخذ قول غیر و اخذ رأی غیر برای عمل، در مورد فرعیات تقلید عبارت است از اخذ قول غیر برای عمل و در اعتقادات عبارت است از اخذ قول غیر برای التزام او تعبداً و بدون دلیل و استدلال بپذیریم.<sup>۱۱</sup>

مجموع تعابیری که در رابطه با تقلید در همه کلمات وارد شده این هشت تعبیر است:

**تعبیر اول:** التزام قلبی به عمل بر اساس قول غیر

**تعبیر دوم:** عمل به قول غیر من غیر حجة معلومة.

**تعبیر سوم:** التزام و عمل به قول غیر.

**تعبیر چهارم:** استناد به غیر در عمل.

**تعبیر پنجم:** قبول قول غیر من غیر حجة.

**تعبیر ششم:** اخذ به قول غیر من غیر حجة.

**تعبیر هفتم:** متابعت مجتهد در مقام عمل.

**تعبیر هشتم:** بنا گذاری بر عمل به قول غیر.

مجموع عبارات و الفاظ و تعابیری که در رابطه با تقلید وارد شده این هشت تعبیر می باشد که از این تعابیر بعضی قابل ارجاع به یکدیگر هستند مثلاً همین تعبیر هفتم یعنی متابعت و پیروی مجتهد در عمل این واقعاً با تعبیر دوم که عمل به قول غیر است فرقی نمی کند. یا مثلاً تعبیر به استناد به غیر در عمل این هم قابل بازگشت به عمل به قول غیر یا عمل عن استناد هست. البته همینجا ممکن است معتقد بشویم که تفاوت هایی بین این دو تعبیر هست یعنی بگوییم عمل به قول غیر و عمل عن استناد ممکن است از این جهت فرق بکند که عمل به قول غیر با صرف مطابقت عمل با قول غیر قابل جمع است اما عمل عن استناد با

۸. الفصول الغروية، ص ۴۱۱.

۹. شرح عضدی لمختصر المنتهی، ج ۲، ص ۳۰۵.

۱۰. الفصول الغروية، ص ۴۱۱.

۱۱. کفایة الأصول، ص ۵۳۹.

صرف مطابقت عمل با قول غیر قابل جمع نیست. عمل عن استناد یعنی اینکه این شخص کارش را مستند به غیر بکند به اینکه اگر از وی سؤال شود چرا این کار را می‌کنی جواب بدهد که فلانی گفته، پس بین عمل به قول غیر و عمل به استناد قول غیر، می‌شود این فرق را قائل شد.

بنابراین مشاهده فرمودید که دو تا از این تعابیر بازگشت به آن تعبیر عمل می‌کند، یکی استناد غیر در عمل و یکی هم متابعت مجتهد در عمل. دو تعبیر دیگر باقی مانده که این دو تعبیر را باید بررسی کرد که آیا اینها قابل بازگشت به آن تعابیر هست یا نه؟ یکی اخذ و یکی قبول می‌باشد.

بنا گذاری بر عمل غیر این هم قابل بازگشت به التزام هست و یعنی التزام پیدا می‌کند که به قول غیر عمل کند. پس تعبیر هشتم قابل بازگشت به تعبیر سوم هست. دو تعبیر باقی می‌ماند که باید دید این دو تعبیر نظر به چه چیزی دارد یکی اخذ قول غیر من غیر حجة و دیگری قبول قول غیر من غیر حجة آیا اینها بازگشت به عمل می‌کنند و همان مفهوم تعبیر به عمل به قول غیر را می‌رسانند یا مراد اینها التزام است؟ که در جلسه آینده ان شاء الله بررسی خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»